

## عنوان مقاله:

همکاری خانه و مدرسه در پرورش هوش عاطفی و افزایش اعتماد به نفس در دانش آموزان ابتدایی

## محل انتشار:

مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره 6، شماره 67 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

## نویسندگان:

فهیمة زمانیان -

علی زمانیان -

حسین فریادرس -

زهرا زمانیان -

## خلاصه مقاله:

خانه و مدرسه به عنوان دو نهاد اصلی تعلیم و تربیت در هر جامعه ای محسوب می شوند. وضعیت موجود هر جامعه ای نتیجه یادگیری دیروز افراد در خانه و مدرسه است و وضعیت فردای هر جامعه در نتیجه سرمایه گذاری هایی است که امروز روی دانایی افراد در خانه، مدرسه و جامعه انجام می گیرد. یکی از کارکردهای اصلی خانواده تعلیم و تربیت فرزندان است. والدین به عنوان نخستین آموزشگران، اساسی ترین فعالیتها نظیر راه رفتن، سخن گفتن، یادگیری لغات، ابزارهای اندیشیدن، روابط با اشیاء و اشخاص را در خانه به کودکان می آموزند. خانواده سالم، فرزند سالمی را روانه مدرسه می کند و مدرسه سالم با دانا سازی و معرفت بخشی به دانش آموزان آنها را توانا تر کرده و انسانهای کار آمدی را به جامعه تحویل دهد. از طرفی در جامعه امروز، مدرسه عملکرد تربیت کودکان را در چارچوب هدفها و برنامه های مشخص تربیت عمومی عهده دار می باشد. آموزش و پرورش عمومی به نیازهای تربیتی هر گروه در قالب هدفهای کلی تربیت و رشد، کم و بیش پاسخ می دهد، اما طبیعت هر فرد دارای ویژگیهایی است که در قالب برنامه های عمومی نمی گنجد و به چاره جویی و اعمال روشهای خاص نیاز دارد. خانواده نیز در عملکرد تحصیلی فرزندان نقش ثانویه ای را بازی می کند و واضح است که مدرسه مسئول یادگیری بچه هاست. ارتباط موثر بین خانه و مدرسه باعث می شود دوگانگی آموزشی و تربیتی کمتر شده و دیدگاه همسوئی بین آن دو در مورد تحصیل، تربیت و پیشرفت برقرار شود، هزینه و وقت کمتری صرف اصلاح تعارضات و مشکلات آموزشی و پرورشی شود. در مجموع هر یک از ما از ارتباط موثر بین خانه و مدرسه سودها و منفعت های فراوانی خواهیم برد و این امر موجب می شود که استانداردهای اجتماعی و اقتصادی برای همگان افزایش پیدا کند.

## کلمات کلیدی:

هوش، معلمان، خانواده، اعتماد به نفس، دانش آموزان، ابتدائی.

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1928684>

